



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۶۵۴۳۹۰-۱، ۸۸۸۸۰۷۱۹-۰ تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۶۶۱۸۱۳۰-۵
چاپ: روز/تاب، جاده مخصوص کرج، نخ زرین شماره ۴ - تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۴:۰۴ اذان مغرب ۲۰:۴۱ اذان صبح فردا ۴:۰۲ طلوع آفتاب ۵:۴۸

نگاه

دیپلماسی رسانه‌ای چگونه حاصل می‌شود؟

میرزا بابا مظهری نژاد
m. motaharynejad@gmail.com



■ چندی پیش در یکی از رسانه‌های خبری به نقل از سکاتدار کشتی دیپلماسی کشور، وزیر امور خارجه خواندم که فرموده بود برای ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای، حضرتشان قصد دارند در وزارت امور خارجه به خبرنگاران رسانه‌ها آموزش دیپلماسی بدهند!

در اینکه رسانه‌ها مهم‌ترین و موثرترین ابزار انتقال اطلاعات و آگاهی‌ها در فرآیند ارتباط و مظهر ارتقای تکنولوژیک انسانند و برقراری ارتباط موثر، کارآمد، مستجیده بر پایه خرد و تخصص را برعهده دارند و کمبود خبرنگاران تخصصی و عدم ثبات خبرنگاران در حوزه‌های کاری، یکی از نقاط ضعف رسانه‌ها در ارتباط با روابط عمومی‌ها و سازمان‌هاست، با جنباب وزیر که خود نیز تحصیلات آکادمیک دیپلماسی ندارند، هم عقیده‌ام، اما در اینکه این ضعف چگونه و در کجا باید برطرف شود، نه تنها رادحل ایشان را نمی‌پسندم، بلکه برای هویت، قدرت و اعتبار رسانه‌ها چنین راه‌حلی را خطرناک می‌دانم. دیپلماسی یعنی تدوین سیاست خارجی و اجرای آن یا روش حل و فصل مسایل مربوط به روابط خارجی با دول دیگر یا هر روش مسالمت‌آمیز دیگر و دیپلماسی رسانه‌ای به معنای به کارگیری رسانه‌ها برای تکمیل و ارتقای سیاست خارجی یک کشور، اما اینکه دستگاه دیپلماسی کشور چگونه از این ابزار برای اهداف سیاسی استفاده می‌کند، باید استفاده کند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

از آنجا که ارتباط تنگاتنگی بین امنیت ملی و منافع ملی با سیاست خارجی و دستگاه مجری دیپلماسی وجود دارد، هم باید خبرنگاران آشنا و آگاه با زبان دیپلماسی در رسانه‌ها باشند و هم باید دیپلمات‌های آگاه و آشنا با قدرت و زبان رسانه‌ای و دارای مهارت ارتباطی با وسایل ارتباط جمعی در وزارت امور خارجه وجود داشته باشند و بدانند ارتباط با رسانه‌ها نباید به برقراری جلسات هفتگی با اصحاب رسانه محدود شود، بلکه باید به صورت کاملا نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده در سطح بدنه وزارت خارجه عمومیت پیدا کند و صاحب‌نظران مسایل رسانه‌ای به منظور استفاده از نقطه نظرات آنها برای پیش‌بینی تحولات آتی و تهیه و انتشار اخبار و گزارش‌های کاربردی و راهبردی در وزارت خارجه جذب و همکاری کنند. وزارت امور خارجه در مورد ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای و سایر وزارت‌خانه‌ها در جهت تقویت عمومیت پیدا کند و صاحب‌نظران رشته خبرنگار دیپلماسی را داده بود، اما چرا عملی نشد، معلوم نیست. قطعاً با حمایت و رفع موانع می‌تواند دنبال شود، بنابراین ضمن قدردانی از وزیر محترم که به ضرورت موضوع تخصص رسانه‌ای اشاره کردند، پیشنهاد می‌کنم:

۱- برای ایجاد رشته‌ای با گرایش دیپلماسی در دانشکده‌های ارتباطات، روزنامه‌نگاری و خبر با مراکز آکادمیک کشور به بحث بنشینند.

۲- در سیلابس‌های درسی دانشکده وابسته به امور خارجه که کار خطیر تربیت دیپلمات را برعهده دارند مباحث علمی رشته‌شناسی و معرفت‌شناسی روابط عمومی و توسعه آموزش ارتباط همگانی و ارتباط جمعی را در کنار آموزش‌های ارتباط میان فردی و ارتباط گروهی منظور کنند.

۳- با منتقدان رسانه‌ای دیپلماسی نشست‌های کارشناسی بگذارند تا راه درست احیای دیپلماسی رسانه‌ای بازخوانی، بازشناسی و باز مهندسی شود و از فقر آموزش دیپلماسی رسانه‌ای در وزارت خارجه که شائبه وابسته کردن رسانه‌ها را در پی دارد، برهیز کنند.

خبر

ترجمه آخرین رمان ویرجینا وولف

■ آخرین رمان ویرجینا وولف به زبان فارسی ترجمه شد. رمان «در میان نقش‌ها» اثر این نویسنده مطرح انگلیسی اخیراً به قلم الهه مرعشی ترجمه و از سوی انتشارات فرهنگ جاوید برای دریافت مجوز نشر ارایه شده است. این رمان آخرین اثر این نویسنده همگانی و تأثیرگذار انگلیسی است و پیش از اینکه خودکشی کند، آن را نوشته است. قصه رمان «در میان نقش‌ها» به قبل از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد و اتفاق‌های آن در روستایی در انگلیس رخ می‌دهد که سرگذشت درهم‌تنیده چند خانواده را روایت می‌کند.

شتر



حدود دو سال پیش برای اولین و آخرین بار او را در موزه هنرهای مدرن دوحه (قطر) دیدم. ظاهرش به طرز عجیبی شبیه مرناضان هندی بود: پابرنه، دارای ظاهر بی‌پیرایه و بی‌الایش، با موهای سفید و ریش بلند می‌گفتند شیعه است. تنها فرصت گپی کوتاه و

دوستانه با او برابم فراهم شد. یادم می‌آید به زندگی کولی‌وار خود اشاره و افتخار کرد و گفت همسر شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی امیر قطر، وی را شهروند افتخاری این کشور کرده است. آن زمان پیش خود گفتم، لاید این هم کیست مثل بقیه شوریدگان عالم هنر. نامش را پرسیدم و گفت: مقبول. اینکه همسر شیرازی امیر قطر او را شهروند افتخاری این امیرنشین کرده بود، قدری متعجب‌ام کرد. یک لحظه پیش خود گفتم: حتماً آدم مهمی است که دولت قطر به او این عنوان را داده! اما هبیت خاصش کمی من را به شک انداخت. به هر حال در ازدحام نمایشگاه، گمش کردم و دیگر ندیدمش تا دیروز جمعه که فہمیدم درگذشته است. البته پس از آن دیدار کوتاه از طریق برخی دوستان در یافتم که این کولی هندی، همان مقبول فیداحسین (Maqbool Fida Husain) معروف بوده‌است. هنرمندی که لقب پیکاسوی هند را به او داده‌اند. پیکاسوی هند بعد از ظہر پنجشنبه گذشته (پنجم ژوئن) در یکی از بیمارستان‌های لندن در ۹۵سالگی در گذشت. تلفیق مذهب و اسطوره‌های هنری، کار هنری مقبول فیداحسین را در نقاشی معاصر این کشور ممتاز و یگانه کرده‌است. او متولد سپتامبر ۱۹۱۵ از توابع بمبئی بود. اول بار در اواخر دهه ۴۰ میلادی به عنوان یک هنرمند شناخته شد و در سال ۱۹۴۷ به گروه هنرمندان متری زیر نظر فرانسیس نیوتن سوزا (هنرمند مطرح هندی) پیوست. پیوستن به این گروه، مقدمه‌ای برای دیده شدن او در سطوح بالاتر

زایوه

سفرنامه گرجستان-۴

این مشک است که من را رها نمی‌کند



کامران عدل

هفته پیش، بنای کنسولگری ایران در تفلیس را که به خله ارفع‌الدوله معروف است، عکاسی کردم. ولی چون هوا باری و بارانی بود، نتوانستم که فساد و بعضی از ریزه‌کاری‌های فساد آن را عکاسی کنم. به همین منظور چند روز بعد، دوباره به اتفاق راهمنما و مترجم میراندا خلم، جلو آن خله رفتم. در حین عکاسی، یک اتومبیل مرسدس بنز از جلویم گذشت و چند متر آن طرف‌تر ایستاد و دنده عقب گرفت. این حرکت راننده، شدیداً مزاح‌من شده بود و با خود می‌گفتم چرا دارد توی این یک فرّه جا، دنده عقب می‌گیرد. در این حال میراندا به من نداد که این ماشین، اتومبیل سفارت ایران است. کاملاً گیج شده بودم که بالاخره اتومبیل جلو من پارک کرد. من حیرت‌زده به راننده نگاه می‌کردم، که چرا جلو من پارک کرده و مزاح‌من کار من شده است؟ ناگهان، راننده به من سلام کرد و گفت: سلام آقای عدل من! وابسته فرهنگی سفارت ایران در تفلیس هستم. تازه مثل آدم‌هایی که از خواب بیدار می‌شوند، گفتم سلام! آقا از ماشین پیاده شد و به من گفت که از آمدن‌تان بااطلاع بودیم. چرا یک سری به ما نزدیک که اگر کاری، کمکی از دست ما برمی‌آمد، گفتم نه مزاحم نشدم. کارهایم به خوبی پیش رفته است. در ضمن خیلی گرفتار بودم. صحبت از کارم شد و حالا هم متوجه شد که تابلوها و مینیاتورهایی نظیری از هنر ایرانی در موزه تفلیس هست که تا به حال آنها نتوانسته‌اند کتاب یا مجموعه خوبی از آنها منتشر کنند. حالا من می‌خواهم با ناشران ایرانی تمس بگیرم که اگر یکی از آنها مایل باشد این مجموعه را منتشر کند، من مجاًاً و با هزینه خودم به تفلیس مراجعت خواهم کرد و از این آثار عکاسی خواهم کرد. وابسته فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی به من گفت که انگیزه شما از این



شنبه ۲۱خرداد ۱۳۹۰ - ۸رجب ۱۴۳۲ - ۱۱ژوئن ۲۰۱۱ - سال هشتم - شماره پیاپی۱۲۶۷ - شماره ۲۴۲ دوره جدید - ۱۲صفحه+۲۲صفحه ضمیمه

برداشت آخر

مقبول فیداحسین در ۹۵سالگی در گذشت

وداع پیکاسوی هند با زندگی کولی‌وار

پرویز براتی

شد. در ۱۹۵۲ اولین نمایشگاه انفرادی‌اش را در زوریخ برپا کرد و مدتی بعد یک جایزه هنری معتبر از دولت هند گرفت. در سال ۱۹۶۷ فیلمی با عنوان «از چشمان یک‌نقاش» ساخت که در جشنواره برلین بر نفرهای گرفت. در بی‌نالد سائوپائولو در سال ۱۹۷۱ در کنار پابلو پیکسو جزو میهمانان ویژه این بی‌نال بود. بعد از آن همواره در هند ارج و قرب زیادی داشت؛ با این حال عقاید مذهبی او که گاه در نقاشی‌هایش نمایان می‌شد، سبب شد حملات هندهوای افراطی به وی آغاز شود. در سال ۲۰۰۶، مقبول فادحسین بابت کشیدن تابلو «مادر هند» (Mother India) علناً عذرخواهی کرد. این تابلو زنی را نشان می‌داد که روی زمین زانو زده بود و هند را خلق می‌کرد. حسین همچنین قول داد که این نقاشی جنجالی را از حراج خبریه‌ای که آن را به فروش گذاشته بود، خارج کند.
هنده عشق همیشگی‌اش بود؛ هر چند دولت این کشور او را مجبور کرد در سال ۲۰۰۶ تن به تبعیدی ناخواسته بدهد. در واقع راست‌های افراطی هندوستان موجب دربه دری او شدند و او به دومی مهاجرت کرد. رزمستان‌ها را در امارات می‌گزراند و تابستان‌ها را در لندن. مقبول فیداحسین دوستی تنگاتنگی با شاعرخان ستاره سینمای هند داشت. این هنرمند مسلمان وصیت کرده بود طبق آیین اسلام به خاک سپرده شود. روز گذشته خواست‌های اجابت شد. اثر مقبول فیداحسین یکبار طی حراج کرستی و میلیون دلار چکش خورده و بار دیگر هم در حراج دیگری از این موسسه که مختص هنرمندان جنوب آسیا بوده مبلغ یک میلیون و ششصد هزار دلار فروخته شد. موسسه حراج پونامز هشت روز قبل از درگذشت این نقاش در حالی حراج خود را در لندن برپا کرد که اثری از این هنرمند ۲۷۵ هزار دلار به فروش رسید.

هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir



پنجره

در حاشیه برگزاری ارکستر فیلارمونیک ایرانیان

انجمنِ عاشقانِ موسیقی

بهروز داوری



شروین پاشایی برای عکاسی از آخرین تمرین ارکستر فیلارمونیک ایرانیان فراخوان داده بود. بی‌درنگ هماهنگی‌های لازم را انجام دادم و قرارها را گذاشتم. این‌گونه شد که روز پنجشنبه ساعت ده و نیم صبح من هم یکی از ۵۰ نفر عکاسی بودم که مثل مور و ملخ در تالار رودکی (محل تمرین ارکستر) از در و دیوار سالن بی‌لا می‌رفتند تا زوایای مورد نظر را برای عکس گرفتن پیدا کنند. نوازندگان با صبوری آزار و اذیت‌های عکاسان را تاب می‌آوردند و سعی می‌کردند با وجود شلوغی‌ها، تمر کنزشان را از دست ندهند. کلی عکس گرفتیم و عشق دیدیم چیزی که در سالن رودکی موج می‌زد عشق بود. ارکستر فیلارمونیک به گفته خودشان یعنی ارکستر عاشقان موسیقی. از آرش گوران (رهبر ارکستر که یکی از بهترین‌های موسیقی ایران است) گرفته تا پدram فروسفی جوان (سولیست ویولا) و تک تک نوازندگان زهی، بادی برنجی و چوبی، کوبه‌ای و... همه و همه با جان و دل مشغول تمرین قطعات بودند. مهدی عبدی (یکی از نوازندگان ویسلنس) بیش از بقیه نظر من رو جلب کرد. او در فواصل استراحت هم دست از سازش نمی‌کشید و با لبخند برای عکاسان در حین نوازندگی زُست می‌گرفت. او ساکن مسکو بوده و برای این اجرا به ایران آمده و دوباره برای ادامه تحصیل به اوکراین می‌رود. از طرفی خوشحالیام که چنین استعدادهایی داریم و از طرفی ناراحت می‌روند و نمی‌مانند. بگذریم... تمرین تمام شد و ما دوباره برگشتیم سر کار و زندگی خودمان. روز هفدهم خرداد در بین کارهای بزرگ‌تر از این گروه در آینده باشیم.

خودم نهبپ زدم! این شد که به طور ناخودآگاه دعوت شروین را پذیرفتم و رفق. اجرا شروع شد. برنامه مجار شماره یک براس عالی بود. یک شروع آرام و دلنشین و بعد از آن برنامه مجار شماره پنج. قطعه بعدی برنامه ماسکراذ اثر آرام خاچاطوریان بود که البته انتخاب این قطعه برای اجرا توسط ارکستر به جوانی فیلارمونیک ایرانیان مشکل است. بچه‌ها در این قطعه خیلی سنگ تمام گذاشتند و انصافاً اجرایشان به اجرای اصلی خیلی شبیه بود و همان حس را القا می‌کرد. آرش در هنگام تمرین این قطعه شور خاصی داشت و به بچه‌ها یادآوری می‌کرد که لوئیس چاکنوریان قرار هست کار را ببیند. کسی که به گفته آرش «ستاد اجرای آثار خاچاطوریان» است. اما قسمت‌اصلی این کنسرت اثر عمیق و تأثیرگذار سوگوارى باد کار گيا کاتچلی بود که چهار مومنان نوشته شده. کسانی که این کار را شنیدنداند می‌دانند که اجرایش خیلی سخت‌است و جرات می‌خواهد. یکی از ویژگی‌های بارز این اثر ساختار مینیمال و خلاصه‌گویی است که در جای جای کار حس می‌شود. مع‌الوصف، اجرا خوب بود و... قصه تکراری کمبود امکانات و ساز خوب، در مقابل مخاطبان و صاحب‌نظران از تالار وحدت سربلند بیرون آمد. باشد که شاهد کارهای بزرگ‌تر از این گروه در آینده باشیم.

اکران یک هفته‌ای «رود آقاییان ممنوع» فقط برای خانم‌ها

ایستاد روابط عمومی «فیلمبران» اعلام کرد: قصد داریم تماشاى «رود آقاییان ممنوع» را در هفته اول اکران به خانم‌ها اختصاص بدهیم. شرکت «فیلمبران» احتمالاً بلیت فروشی هفته اول «رود آقاییان ممنوع» را تنها به خانم‌ها اختصاص خواهد داد و در این هفته هیچ کدام از سینماهای اکران‌کننده این فیلم به آقایان بلیتی نخواهند فروخت. «رود آقاییان ممنوع» به کارگردانی رامبد جوان احتمالاً از هفته آینده ۲۵ خرداد اکران خواهد شد. مسؤولان اداره نظارت و ارزشیابی وزارت ارشاد درباره اجرایی شدن این پیشنهاد اعلام نظر نکرده‌اند.

پیشنهاد

فیلم مستند اسکورپیو

خاطرات راک استارهای ایرانی



امیرحسین خورشیدفر

■ اسکورپیو همان برج عقرب است. در سال ۱۳۵۰ سه نوازنده جوان ایرانی که مبهوت و شیفته بندهای راک غربی بودند در تهران دور هم جمع شدند و گروهی راه انداختند به نام «اسکورپیو». همان موقع هم ۱۲،۱۰ سالی بود که سروصداهایی شبیه موسیقی راک در ایران شنیده می‌شد. در سال‌های مینابی دهه ۴۰ کنسرت سالانه گروه‌های راک در سالن ورزشی «شهادی» هفتم تیر فعلی» به همت مجله جوانان برگزار می‌شد. گروه‌هایی مثل تکخال‌ها، ریبزل و عجبویه‌ها شاخص‌ترین بندهای راک آن سال‌ها هستند. خیلی از آوازخوان‌هایی که سال‌ها بعد در لس‌آنجلس انواع و اقسام ترانه‌ها را تولید کردند آن وقت‌ها با هزار امید و آرزو موهای فرفری بلند و الگوبرداری از فرهنگ غرب در باشگاه‌های شبانه و اینور و آنور ترانه‌های بندهای معروف غربی را پوشش می‌دادند. بند اسکورپیو هم در سال‌های ده ۵۰ ترانه‌های انگلیسیی را در کلوپ‌ها و رادیو اجرا می‌کرد. فیلم مستند کوتاه «اسکورپیو» ساخته فریده سارمی و امید هاشملو، اعضای میانسال گروه اسکورپیو را به خاطرات سال‌های جوانی می‌برد و همراه آنها روند شکل‌گیری موسیقی راک در ایران و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آن را مرور می‌کند. در این فیلم، تصویرهایی از تهران دهه ۵۰ و سرگرمی‌های جوانان آن روزگار را هم که در معرض خطر غربی شدن و هویت باختگی بودند، خواهید دید. این فیلم در سلسله نشست‌های هفتگی مستندسازان روز دوشنبه ساعت ۱۸ در تالار سیفاله‌ا‌ده، در خانه سینما، واقع در خیابان بهار جنوبی، کوچه سمنان، پلاک ۳۳ به نمایش در می‌آید.

رویداد

«بالاخره این زندگی مال کیه؟»

در تالار مولوی

■ شرق: «بالاخره این زندگی مال کیه؟» نوشته برایان کلارک و کارگردانی اشکان خیل‌نژاد از سه‌شنبه ۱۷ خرداد در سالن اصلی تالار مولوی به روی صحنه رفت. در این نمایش نوید محمدزاده، محمدهادی عطایی، ندا گل‌رنگی، الهه شه‌پرست، معصومه رحمانی، هومن کیایی، نگین خامسی، کیوان ساسکاتاف، فرانک کلاتر، انزوا صفری و محمد اشکان‌فر به ایفای نقش می‌پردازند. سعید حسنلو و احمد امیدزاده طراح صحنه، آما گشتاسب طراح لباس، کاوه عبدالین آهنگساز، رضا حیدری طراح نور، حسین ابرچی دستیار کارگردان و برنامه‌ریز، بهزاد اسحاقی و مرتضی اکبری‌نژاد مدیران صحنه و شهاب حسین‌پور روابط عمومی سایر عوامل این نمایش هستند. نمایش «بالاخره این زندگی مال کیه؟» نیز در چهاردهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی در بخش دانشجوین تئاتری در رشته بازیگری مرد و طراحی صحنه جایزه نخست را از آن خود کرد و در بخش کارگردانی مورد تقدیر قرار گرفت. این نمایش کاری از گروه تئاتر «اس تیف» است.

انصراف آنا نعمتی

از پروژه سینمایی «یهودستیز»

■ **مهر:** آنا نعمتی از منتفی شدن حضور خود در پروژه سینمایی «یهودستیز» کار مشترک ایران و فرانسه خبر داد. این بازیگر گفت: «به دلایل شخصی نمی‌توانم در این پروژه سینمایی به کارگردانی دیه دونه محصول مشترک ایران و فرانسه حضور پیدا کنم، اما در پروژه «ماریان و کد سیاه» که محصول مشترک دیگری از سینمای ایران و فرانسه است و یک پروژه عظیم سینمای تاریخی محسوب می‌شود، در نقش اصلی یک زن فرانسوی بازی خواهم کرد و هم اکنون نیز مشغول آماده شدن برای حضور در این فیلم هستم.» فیلم «ماریان و کد سیاه» که پروژه سینمایی تاریخی است که داستان آن به سال ۱۶۲۰ میلادی برمی‌گردد و با بازیگران زیادی در آن حضور دارند. این کمپانی فرانسوی، نعمتی را در یک جشنواره بین‌المللی به دلیل بازی در فیلم «آل» ساخته بهرام بهرامیان انتخاب کرده است.